

نظام رفاه و تأمین اجتماعی و اذعان داشتن به دو واقعیت مهم، مسیر تحقیقات را به سوی بهره‌گیری از قابلیت‌های گسترده نهاد بیمه و تفکر متکی بر منطق بیمه‌ای سوق می‌دهد:

واقعیت نخست اینکه «بزه‌دیده و متضرر از جرم، غالباً قربانی نظام عدالت کیفری و بی‌نظمی در روابط اجتماعی نیز می‌باشند».

دوم اینکه «عدم کارایی و محدودیت امکانات دولتها در خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم است که ذهن هر محقق را به ضرورت استفاده منطقی، انسانی و بهینه از سازوکار بیمه با همه امکانات متنوع قانونی و قراردادی آن متوجه می‌کند». به راستی که مفاهیم ارزشمند مورد تأکید در نظریه عدالت ترمیمی^۱ (مانند جبران، تسکین، اعاده وضعیت، التیام آسیبهای جسمی و روانی و...) تنها آرمانهایی عاطفی، محض و دور از ذهن نیست، بلکه تجلی و نمود عینی نیازی است که هر فردی در مرحله تجربه تلخ «احساس بزه‌دیده شدن» آن را لمس می‌کند!

تعمیم بیمه در جامعه می‌تواند فرآیند تحمل این رنجها و زمینه‌های آشتی مجدد بزه‌دیده با جامعه را فراهم سازد و این یکی از آرمانهای سیاست جنایی واقع‌گرا و عدالت ترمیمی است؛ آرمانی که امیدواریم به جدیت مورد توجه متولیان نظام عدالت کیفری و سیاست جنایی کشور ما قرار گیرد^۲ و از رهگذر گذار از منطق کیفری به منطق مبتنی بر حقوق بیمه، صیانت جامعه و حمایت از قربانیان جرایم، به خوبی اجرا شود.

حلّ و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق داوری یکسید و ضرورت الحاق ایران^۱

□ دکتر محمود جلالی
□ استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده:

«کنوانسیون یکسید» یکی از مهم‌ترین معاهدات حقوق بین‌الملل اقتصادی است که افراد را به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل به رسمیت می‌شناسد. برخلاف کم‌توجهی نسبت به سرمایه‌گذاری در گذشته، کشورها از اواسط دهه ۱۹۸۰ به طور روزافزونی دیدگاههای مشابهی را درباره برخورد حقوقی با مسئله سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی اتخاذ کرده‌اند. این امر را می‌توان در قوانین ملی کشورهای درخصوص سرمایه‌گذاری، معاهدات دو یا چندجانبه بین‌المللی آنها و رویکرد مثبت آنها نسبت به حل و فصل این‌گونه دعاوی به خوبی مشاهده کرد. این تشابهات خصوصاً در زمینه آزادسازی رژیمهای سرمایه‌گذاری و حمایت از سرمایه‌گذاران قابل توجه است. همچنین نکته جالب توجه در این تغییرات، جایگاه خاص داوری به عنوان وسیله انتخابی

1. Restorative Justice.

۲. برای اطلاع بیشتر از چگونگی ایفای نقش مؤسسات بیمه در فرآیند ترمیم خسارتهای غیر مادی و کاهش آلام قربانیان جرایم، ر.ک: مصاحبه نگارنده با پرفسور جerald لویز، نویسنده کتاب بزه‌دیده‌شناسی، مندرج در پاورقی ص ۶۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی با عنوان «سیاست جنایی مبتنی بر حمایت از بزه‌دیده و نقش بیمه در آن».

۱. این مقاله برگرفته از قسمتی از طرح پژوهشی شماره ۸۱۰۷۱۸ نگارنده در دانشگاه اصفهان است.

و ترجیحی حل و فصل دعوا از طریق ثالث است که این امر به دلیل امتیازات داوری نسبت به سایر روشهای حل و فصل دعوا، از جمله «قابلیت انعطاف»، «درجه اعتماد»، «سرعت و کار آیی»، «تخصصی تر بودن»، «هزینه کم» و «محرمانه بودن» است.

ایران نیز به رغم اینکه هنوز عضو ایکسید نیست، ولی از این توسعه مستثنا نبوده است. در چند سال گذشته، تغییرات زیادی را می توان در این زمینه در حقوق آن مشاهده کرده که برای نمونه باید از تسهیلات و تضمینات مربوط به سرمایه گذاری خارجی و اصلاحات در بسیاری از مقررات، از جمله «قوانین داوری تجاری کشور»، «سیاستهای پولی و ارزی»، «رقابتی کردن اقتصاد» و «تلاش برای شکستن انحصارات» نام برد. یکی از راههای جذب و تشویق سرمایه گذاری در کشور، ایجاد تضمینهای حقوقی مناسب، از جمله «امنیت کافی برای سرمایه گذار یهای خارجی» است. بدو شیک، پذیرش نظام داوری ایکسید می تواند گام مثبتی برای این مهم در ایران باشد.

کلید واژگان: کنوانسیون ایکسید، سرمایه گذاری، داوری، حقوق بین الملل، ایران، حل و فصل اختلافات.

مقدمه

اختلافات بین المللی به اعتبار طرفین می تواند در سه شکل نمایان شود:

الف) بین اشخاص خصوصی خارجی؛ ب) بین دولتها با یکدیگر؛ ج) بین دولتها و اشخاص خصوصی خارجی.

کنوانسیون حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین دولتها و اتباع دولتها ی دیگر^۱

۱. برای دیدن متن کنوانسیون، ر.ک: 575 United Nations Treaty Series, p.159؛ مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶، ۱۳۶۵، بخش اسناد بین المللی (ترجمه غیر رسمی فارسی کنوانسیون). همچنین در خصوص منابع فارسی در مورد ایکسید، ر.ک: بلاکاژی ویتانی، «اندیشه هایی در خصوص عهدنامه حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری بین دولتها و اتباع دول دیگر»، ترجمه دکتر ناصر علی منصوریان، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲، ۱۳۶۹، ص ۲۹-۶۶؛ آرون بروشه، «قانون حاکم و اجرای احکام در داور یهای موضوع کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری بین دولتها و اتباع دول دیگر»، ترجمه دکتر محسن محبی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۰، ۱۳۶۸، ص ۱۶۳-۲۰۳.

(ایکسید)^۱ ناظر به نوع سوم از این اختلافات است. لذا برخلاف اتاق بازرگانی بین المللی^۲ که سازمانی غیر دولتی بین المللی^۳ است که از سوی بخش خصوصی در سال ۱۹۱۹ م. ایجاد گردیده و برخلاف دیوان بین المللی دادگستری که نهادی بین المللی و بین الدولی در لاهه است، ایکسید ماهیتی دوگانه دارد؛ چرا که از یک طرف از سوی دولتها به وجود آمده است. از طرف دیگر، افراد خصوصی نیز می توانند نزد آن طرف دعوا باشند.

مقاله حاضر، مسئله حل و فصل دعاوی سرمایه گذاری از طریق داوری ایکسید^۴ را به عنوان یکی از رایج ترین مراجع حل و فصل اختلافات بین المللی، مورد مطالعه قرار می دهد^۵ و فقط بعضی از جنبه های جالب توجه داوری آن مرکز را؛ از جمله قلمرو صلاحیت مرکز و انحصاری بودن آن، اهلیت مرکز، تقاضای داوری، تسلیم و ارجاع اختلاف به داوری، سازمان و ترکیب دیوان داوری، قانون قابل اعمال و مسئله رأی داور و رویه قضایی دیوانهای داوری مرکز مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

این بحث به شناخت نقش مهم این مرکز داوری در جهان سرمایه گذاری کمک خواهد کرد.

با توجه به اهمیت رو به رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران، پس از نگاهی اجمالی نسبت به این وضعیت، ضرورت الحاق به کنوانسیون ایکسید مورد تأکید واقع می شود.

1. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID).
2. International Chamber of Commerce (ICC).
3. Non-Governmental Organization (NGO).
۴. در مورد ایکسید، ر.ک: <http://www.worldbank.org/icsid/>.
5. Cf. Antonio R. Parra, "Provisions on the Settlement of Investment Laws, Bilateral Investment Treaties and Multilateral Instruments on Investments", in (1997) 12(2) *ICSID Review: Foreign Investment Law Journal*, pp.287-364. Also, Cf. <http://www.worldbank.org/icsid/treaties/treaties.htm>.

معرفی اجمالی مرکز داوری ایکسید و نظام حل و فصل اختلافات آن

«مرکز داوری ایکسید» با مصوبه شماره ۲۱۴ مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۴ بانک جهانی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)^۱ و با همکاری کمیسیون اقتصادی سازمان ملل بنا نهاده شد و اکنون نیز با آن بانک ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ چرا که براساس ماده ۵ کنوانسیون، رئیس بانک جهانی به اعتبار سمت و مقامش،^۲ رئیس شورای اداری ایکسید نیز می‌باشد، گرچه صاحب رأی نیست^۳ کنوانسیون در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۶۵ برای امضای کلیه دولتهای عضو بانک جهانی و دولتهای عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و دولتهای مدعو از سوی شورای اداری این مرکز مفتوح گردید (ماده ۶۷) و در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۶ طبق بند ۲ ماده ۶۸ خود در حالی که بیست کشور آن را تصویب کرده بودند، لازم‌الاجرا شد^۴ تا زمان نگارش این مقاله (فروردین ماه ۱۳۸۲) ۱۵۴ دولت کنوانسیون را امضا و ۱۳۹ دولت نیز اسناد تصویب خود را نزد مقام نگهدارنده (بانک جهانی) سپرده‌اند که در نتیجه عنوان دولتهای طرف قرارداد یا متعاهد بر آنها اطلاق می‌شود.

این مرکز دارای دو رکن می‌باشد:

1. International Bank for Reconstruction and Development (IBRD).

2. Ex Officio.

۳. اقدام شایسته دیگر بانک جهانی در خصوص سرمایه‌گذاری، تدوین کنوانسیون آژانس تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه (MIGA) «Multilateral Investment Gurantee Agency» در سال ۱۹۸۵ است. این آژانس، دارای مکانیسم حل و فصل دعاوی مستقلی؛ از جمله پیش‌بینی داوری در آن است که تحلیل آن از چارچوب این مقاله خارج است.

۴. به منظور اطلاع از قواعد تفسیر کنوانسیون، ر.ک:

Kathigamar V.S.K Natham, "Submission to the International Centre for Settlement of Disputes in Breach of the Convention" in (1995) *Journal of International Arbitration*, pp.46-51.

مسئله تفسیر با ماهیت مقررات ایکسید و با تمایز بین حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی در ارتباط است. برای اطلاع بیشتر، ر.ک:

Leo J. Bouchez, "The Prospects for International Arbitration: Disputes between States and Private Enterprises", in (1991) *Journal of International Arbitration*, p.103.

الف) شورای اداری، متشکل از نمایندگان دولتهای عضو؛

ب) دبیرخانه، متشکل از یک نفر دبیرکل، معاونان و کارمندان.

هدف اصلی دولتها از تأسیس این مرکز در مقدمه کنوانسیون شرح داده شده است که می‌توان آن را بدین صورت خلاصه کرد: برآوردن نیاز به همکاری بین‌المللی و توسعه اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاریهای خصوصی بین‌المللی با تأسیس مکانیسم سازش و داوری بین‌المللی که هدف نهایی آن اجتناب از منازعات و یا حل اختلافاتی است که بین دولتهای طرف کنوانسیون و اتباع کشورهای متعاهد دیگر به وجود می‌آید.

بعلاوه بند ۲ ماده ۱ ایجاد تسهیلات لازم برای سازش و داوری دعاوی سرمایه‌گذاری مطابق با کنوانسیون را از اهداف مرکز می‌شمارد.

شورای اداری مرکز در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۷، پرونده‌های «الف»، «ب» و «ج» از بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون، مجموعه قوانین مختلفی را تصویب کرده است؛ از جمله:

الف) مقررات آیین دادرسی و رسیدگی از طریق سازش و داوری (قواعد مؤسسه)،^۱

ب) مقررات آیین دادرسی داوری (قواعد داوری)،^۲

ج) مقررات آیین دادرسی سازش (قواعد سازش).^۳

این مجموعه‌ها از تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۶۸ لازم‌الاجرا و در ۱۹۸۴ مورد اصلاح قرار گرفته است.^۴ بعلاوه، در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۲ شورای اداری مرکز، اصلاحاتی را در مقررات و قوانین مذکور انجام داد که از اول ژانویه ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا گردید. علاوه بر این اسناد، هم‌اکنون «قواعد تسهیلات اضافی ایکسید»^۵ (مصوب ۱۹۷۸) با جدیدترین اصلاحات بر حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری حاکم است.

1. Institution Rules.

2. Arbitration Rules.

3. Conciliation Rules.

4. Cf. 1984, *ICSID Documents* 61 (1985), 1 *ICSID Reports* 157.

5. Additional Facility Rules.

خود مرکز نیز مانند «دیوان دائمی داوری»^۱ و «اتاق بازرگانی بین‌المللی» دادگاهی با ساختار اداری دائمی است که حلّ و فصل اختلافات را تسهیل و امکانات لازم را در این زمینه در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. حلّ و فصل دعاوی در نظام ایکسید، از طریق کمیسیون سازش و دیوان داوری پیش‌بینی شده در کنوانسیون است و خود مرکز، مرجع حلّ و فصل دعاوی نمی‌باشد. سازش، روش حلّ و فصل مستقلى است که تشریفات و مقررات مربوط به آن در فصل ۳ مواد ۲۸-۳۵ کنوانسیون شرح داده شده است.

یادآوری می‌شود که امتیاز داوری مرکز بر روش سازش آن، این است که بر خلاف داوری، گزارش صادره از کمیسیون سازش جنبه الزام‌آور نداشته، مشمول «قاعده اعتبار امر مختومه»^۲ نیست، بلکه فقط نقش توصیه‌ای دارد. از طرف دیگر، چون دیوان داوری از «صلاحیت مشورتی» برخوردار نیست، بلکه فقط «صلاحیت ترافیعی» دارد، این نقص با وجود روش سازش تقریباً جبران شده است.

در صورت درخواست طرفین، دبیر کل مرکز به عنوان مقام منصوب‌کننده داوران برای داوریه‌های اختصاصی؛ مثلاً داوریه‌هایی که براساس «قواعد آنسیترال»^۳ برگزار می‌شود، عمل می‌کند. همچنین مرکز، براساس مقررات حقیقت‌یابی^۴ ۱۹۷۸ م، خدمات حقیقت‌یابی را برای متعاهدین انجام‌دهد. مرکز تسهیلات مالی به طرفین اختلاف ارائه نمی‌دهد و آنها باید خود، هزینه‌های دادرسی را بپردازند. پس از این مقدمه، به شرح سیستم داوری مرکز می‌پردازیم:

ارجاع اختلاف به داوری مرکز

نخستین قدم در داوری براساس کنوانسیون، تسلیم دادخواست داوری است.

1. Permanent Court of Arbitration (PCA).

2. Res Judicata.

۳. «کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد»

United Nations Conference on International Trade Law (UNCITRAL).

4. Fact-finding.

کنوانسیون ایکسید محدودیت زمانی^۱ برای ارجاع اختلافات به مرکز در نظر نمی‌گیرد؛ لذا این امر، به سند تنظیم شده بین طرفهای اختلاف؛ مثل شرط ارجاع اختلاف به داوری، قانون ملی و معاهده احتمالی موجود^۲ وابسته است.

ماده ۳۶ در بندهای ۱، ۲ و ۳ اظهار می‌دارد: هر دولت متعاهد یا هر تبعه دولت متعاهدی که مایل است رسیدگی از طریق داوری صورت گیرد، باید تقاضای مکتوب خود را در این خصوص به دبیر کل تسلیم کند تا دبیر کل، یک نسخه از درخواست را برای طرف دیگر بفرستد. دادخواست باید شامل اطلاعات مربوط به موارد موضوع اختلاف، هویت طرفین و رضایت آنان به داوری مطابق با قواعد آیین دادرسی داوری باشد. در صورتی که دبیر کل تشخیص دهد که مورد اختلاف خارج از صلاحیت مرکز نیست، دادخواست را ثبت خواهد کرد.

پس از پذیرش دادخواست، طرفین می‌توانند داوران خود را از لیست بالقوه‌ای از داوران که در اختیار مرکز وجود دارد، انتخاب کنند. داوریه‌های کنوانسیون ایکسید معمولاً در خود مرکز در واشنگتن انجام می‌شود، اما طرفین آزادند هر محلی را برای این امر انتخاب کنند.

بند پایانی مقدمه کنوانسیون اظهار می‌دارد که کشور متعاهد به صرف تصویب و قبول یا موافقت با کنوانسیون و یا بدون رضایت، به ارجاع هر اختلافی برای سازش و داوری به مرکز ملزم نیست؛ لذا لازمه ارجاع اختلاف به داوری، عضویت دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه‌گذار،^۳ در کنوانسیون ایکسید و موافقت با رسیدگی آن است. گرچه مقررات حاکم بر تسهیلات اضافی مرکز، صلاحیت آن را وسیع تر نموده و با شرایطی اجازه می‌دهد تا اشخاص غیر عضو کنوانسیون نیز از مرکز برای حلّ و فصل اختلافات خود استفاده کنند، باید تصدیق دبیر کل مبنی بر قبول دعوا را داشته

1. Ratione Temporis.

2. Cf. AAPL v. Sri Lanka (ICSID, award of 27 June 1990), *ICSID Review: Foreign Investment Law Journal* (1991), at 526-597 and Chronicle Gaillard, (1992) *Journal du Droit International* 216; Brewer, "International Investment Dispute Settlement Procedures: The Evolving Regime for Foreign Direct Investment", *L. & Pol'y Int'l Bus.*, 633.

3. Ratione Personae.

باشند. بنابراین، صرف تصویب کنوانسیون به دیوان داوری صلاحیت رسیدگی نمی‌دهد.

همچنین توافق طرفین نباید الزاماً رسمی باشد. ارائه دادخواست داوری از سوی خواهان در خصوص سرمایه‌گذاری تحت کنترل «خارجی» به مرکز و تأیید آن دادخواست از طرف خوانده با اعمال شرط ارجاع اختلاف به ایکسید متضمن چنین توافقی خواهد بود. برای تحقق کنترل «خارجی» به اکثریت یا درصد بالای مالکیت سهام نیازی نیست و حتی درصد کمی از سهام به همراه مدیریت شخص را نیز می‌توان به عنوان کنترل خارجی در نظر گرفت.

صلاحیت مرکز و دیوان داوری آن

براساس صدر ماده ۲۶ کنوانسیون، صلاحیت مرکز انحصاری است، یعنی مرکز تنها وسیله حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری مورد نظر کنوانسیون است؛ مگر اینکه خلاف آن تصریح شود. کشورهای عضو می‌توانند در زمان قبول کنوانسیون، در زمان تصویب یا پذیرش، یا در هر تاریخی پس از آن، دعوای ای را که مایل اند از صلاحیت قضایی ایکسید مستثنا کنند، به مرکز اعلام کنند.

با آنکه صلاحیت مرکز منحصر به دعوای ناشی از سرمایه‌گذاری است، کنوانسیون تعریفی برای واژه سرمایه‌گذاری ارائه نمی‌دهد. اما این امکان برای کنوانسیون وجود دارد که «مفهوم سنتی سرمایه‌گذاری» را با «مفهوم اقتصادی جدیدی» جایگزین نماید که باید از سوی کشوری که در آن سرمایه‌گذاری انجام شده، مورد بررسی و تأیید قرار گیرد. در نتیجه، پروژه‌ای مربوط به ساخت و ساز با ویژگی نظامی باید به عنوان یک سرمایه‌گذاری تلقی شود، نه صرفاً یک قرارداد بازرگانی. با این حال، چنانچه صلاحیت دیوان داوری ایکسید از سوی طرفین مورد قبول قرار گرفته باشد، همین امر باید به عنوان دلیل ارجاع اختلاف خاصی که مربوط به سرمایه‌گذاری مورد نظر کنوانسیون است، تلقی گردد.

این واقعیت که قرارداد خاصی ممکن است سرمایه‌گذاری حیاتی، یعنی سرمایه‌گذاری‌ای که در توسعه اقتصاد کشور میزبان نقش دارد محسوب شود،

وجود صلاحیت ایکسید را توجیه می‌کند؛ لذا چنین قراردادهایی تنها به انواع سنتی سرمایه‌گذاری؛ از قبیل بهره‌برداری از منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری صنعتی در مورد تولید و صدور کالا، تولید آهن، فولاد و آلومینیوم، ساخت و ساز هتلها و سرمایه‌گذاری در توسعه شهری اختصاص ندارد، بلکه اموری چون تنظیم و مدیریت قرارداد، راه‌اندازی و گرداندن کارخانجات، توافقات فنی و صدور مجوز به منظور تولید تسلیحات را نیز شامل می‌شود.

طبق ماده ۲۵ کنوانسیون، مرکز بین‌المللی حل و فصل دعوای مربوط به سرمایه‌گذاری (در خصوص دعوای ای که دیوان داوری می‌تواند به آنها رسیدگی کند)^۱، صلاحیت رسیدگی به هرگونه دعوای حقوقی ای را دارد که مستقیماً از سرمایه‌گذاری بین «دولت متعاقد» (یا هر مؤسسه فرعی وابسته یا نمایندگی آن که از طریق دولت متعاقد به مرکز معرفی می‌شود) و «تبعه یک دولت متعاقد دیگر» ناشی می‌شود. در این صورت، طرفین باید رضایت خود مبنی بر ارجاع اختلافشان را به مرکز به صورت کتبی اعلام نموده باشند که پس از اعلام به صورت یک جانبه قابل عدول نیست. البته براساس مقررات حاکم بر تسهیلات اضافی مرکز^۲ در شرایط خاصی، امکان ارجاع اختلافی که مستقیماً ناشی از سرمایه‌گذاری نیست، به مرکز نیز وجود دارد.

منظور از عبارت «تبعه دولت متعاقد دیگر» در قسمتهای «الف» و «ب» ماده ۲۵ عبارت است از:

۱. هر فرد حقیقی که تابعیت یکی از کشورهای متعاقد غیر از کشور طرف منازعه را در تاریخی داشته باشد که طرفین توافق می‌کنند که اختلافشان را به داوری ارجاع دهند یا در تاریخی که دادخواست داوری ثبت شده است؛^۳
۲. هر شخص حقوقی که تابعیت کشور متعاقد غیر از کشور طرف دعوای او را در تاریخی داراست که طرفین بر واگذاری چنین منازعه‌ای به دیوان داوری ایکسید یا

1. Ratione Materiae.

۳. ماده ۳۶.

۲. بند «ب» از بند ۲ ماده ۲۵.

به هر شخص حقوقی کشور متعاقد طرف منازعه که تابعیت کشور متعاقد دیگری برای آن در نظر گرفته می‌شود، توافق می‌کنند.

در صورتی که اشخاص حقوقی به دولت طرف دعوا وابسته باشند، بند ۳ ماده ۲۵ شرط دیگر صلاحیت مرکز در رسیدگی به اختلاف را موافقت کشور متبوع آن مؤسسه یا سازمان وابسته با ارجاع امر به داوری می‌داند؛ مگر در صورتی که کشور مذکور عدم ضرورت تصویب از طرف خود را به اطلاع مرکز برساند.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، طبق بند ۳ ماده ۳۶ کنوانسیون، دبیر کل باید تقاضای داوری را ثبت کند؛ مگر اینکه براساس اطلاعات مندرج در تقاضا، تشخیص دهد که اختلاف آشکارا خارج از صلاحیت مرکز است.^۱ وی باید بلافاصله طرفین را از ثبت یا عدم ثبت درخواست مطلع نماید. طبق شرط مذکور، ثبت تقاضای داوری به وسیله دبیر کل را باید به عنوان تصویب ابتدایی صلاحیت ایکسید تفسیر کرد؛ زیرا این شرط صریحاً اعلام می‌دارد که اگر منازعه به طور آشکاری خارج از صلاحیت مرکز باشد، باید از ثبت تقاضا خودداری کرد.

باید متذکر شد که صلاحیت دیوان داوری ایکسید را خود کنوانسیون مستقیماً اعطا می‌کند، نه طرفین؛ زیرا طرفین فقط می‌توانند ارجاع دعوای خاص سرمایه‌گذاری را به دیوان ایکسید عملی سازند. این حقیقت که صلاحیت دیوان ایکسید ناشی از کنوانسیون است، عملاً بدین معناست که دیوان در ابتدا ملزم به تبعیت از کنوانسیون است، نه شروط توافق شده بین طرفین. این امر در خصوص داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز صدق می‌کند.

ماده ۴۱ کنوانسیون بین «صلاحیت»^۲ و «اهلیت»^۳ تمایز قائل می‌شود. «صلاحیت» صریحاً در ماده ۲۵ کنوانسیون تعریف شده است و «اهلیت» به هر یک از اختلافات خاصی که باید طبق توافق داوری حل شود، مربوط می‌گردد؛ بنابراین

۱. برای جزئیات بیشتر، ر.ک:

Aron Broches, "Denying ICSID'S Jurisdiction - the Award in Vacuum Salt Products Limited", in (1996) *Journal of International Arbitration*, note.3, p.21.

2. Jurisdiction.

3. Competenu.

«اهلیت»، اختیار دیوان داوری برای به اجرا درآوردن صلاحیت عمومی‌اش در موردی خاص است، اما در مقابل، «صلاحیت» تنها وقتی مطرح می‌شود که یکی از طرفین اعتراض کند و مثلاً ادعایی را در خصوص فقدان رضایت معتبر ارائه دهد. البته وقتی که قدرت تصمیم‌گیری در خصوص اختلافی که در آینده ممکن است به وجود آید، از طریق قانون‌گذار ملی مستقیماً به دیوان داوری مرکز واگذار شده باشد، صلاحیت و اهلیت را نمی‌توان از یکدیگر تمیز داد؛ مثلاً همان‌گونه که در خصوص اندونزی، مصر و یوگسلاوی اتفاق افتاد.^۱

تعیین هویت «کشور متعاقد» نسبتاً ساده و بدون پیچیدگی است، ولی تعریف دو اصطلاح «مؤسسه فرعی تشکیل‌دهنده» و «نمایندگان دولت» در بند ۱ ماده ۲۵ کنوانسیون دارای پیچیدگی است. برای اجتناب از پیچیدگیها و دشواریهای بیشتر، بند ۱ ماده ۲۵ کنوانسیون به هر دولتی در زمان پذیرش کنوانسیون، امکان تعیین و انتخاب مراکز عمومی خود را که در چارچوب «مؤسسه فرعی تشکیل‌دهنده» و یا «نمایندگی» قرار می‌گیرند و دارای صلاحیت طرفیت دعوا نزد دیوان داوری ایکسید می‌باشند، داده است. در صورتی که سرمایه‌گذار (شرکت فرعی) شخص حقوقی مستقلی باشد که با قوانین کشور میزبان اداره می‌شود، ولی کل یا اکثر سرمایه‌اش به شرکت دولتی دیگری (شرکت مادر) تعلق دارد که آن شرکت دولتی، متعاقد موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری می‌باشد، ممکن است مشکل دیگری به وجود آید. در چنین موردی حتی اگر شرکت فرعی برای خود مکان و جایگاه ثبت شده‌ای در قلمرو دولت میزبان دارد، شرکت اصلی محق است از طرف شرکت فرعی اقدام کند تا از منافع هر دو شرکت حمایت شود. به هر حال، بهتر است که کشور عضو کنوانسیون با توجه به بند ۱ ماده ۲۵ کنوانسیون، مفهوم «مؤسسه فرعی تشکیل‌دهنده» یا «نمایندگی» را دقیقاً معین کند و دولت میزبان اعلام نماید که شعبات شرکت سرمایه‌گذار خارجی را حتی اگر مرکز ثبت شده آن در کشور میزبان

1. Cf. Peter Schlosser, *Das Recht der Internationalen privaten Schiedsgerichtsbarkeit*, 2nd ed., 1989, No.95, p.73.

بوده و با قوانین آن کشور اداره می‌شود، به عنوان سرمایه‌گذار خارجی قلمداد می‌کند.

مسئله دیگری که ممکن است در خصوص تغییرات مهم پیش بیاید، اموری از قبیل انحلال یک شرکت، ادغام یک شرکت در دیگری و جدا شدن شرکتی از شرکت دیگر است که معمولاً به تغییر هویت طرف اصلی ایکسید منجر می‌شود. اینکه آیا در شرایط خاص، شخص جدید نیز از طریق شرط ارجاع اختلاف به ایکسید ملزم محسوب می‌شود یا خیر، به مفاد قانون داخلی و مقررات حقوق بین‌الملل که باید در مورد اختلاف در حال رسیدگی اعمال شود، بستگی دارد.^۱ در صورتی که سرمایه‌گذار، موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری و به همان میزان، حقوقش را به شخص ثالثی واگذار کند، به شرطی که واگذارکننده و واگذارشونده دارای یک ملیت باشند و یا تابعیت دولت دیگر عضو کنوانسیون را دارا باشند (یعنی ملیتی غیر از ملیت دولت میزبان)، شرط داوری ایکسید، شخص واگذارشونده را نیز ملزم می‌سازد. راه حلّ مشابهی نیز برای موردی که با مجوز دولت میزبان انتقال سهام از سرمایه‌گذار به سهام‌دار جدید صورت می‌گیرد، اعمال می‌شود.

تابعیت شخص حقوقی براساس کشور محل تشکیل آن تعیین می‌شود؛ برای مثال، شخص حقوقی‌ای که محل ثبت شده آن در کشور «الف» که عضو کنوانسیون است، قرار دارد و در کشور «ب» که آن نیز عضو کنوانسیون است، سرمایه‌گذاری کرده باشد، می‌تواند طرف شرط ارجاع اختلاف به ایکسید باشد. در مقابل، اگر شخص حقوقی که اقامتگاهش در کشور متعاقد طرف اختلاف است، تبعه کشور دیگر، عضو کنوانسیون شناخته نمی‌شود و در نتیجه، طبق بند «ب» از بند ۲ ماده ۲۵ کنوانسیون نمی‌تواند طرف شرط ارجاع به ایکسید باشد. با این حال، شخص حقوقی‌ای که اقامتگاهش در دولت میزبان است، می‌تواند عنوان تبعه دولت طرف قرارداد دیگری را داشته باشد، البته وقتی این امکان وجود دارد که کل یا اکثر

سرمایه‌اش متعلق به شخص حقوقی دیگری باشد که ساکن کشور دیگر عضو کنوانسیون است و علاوه بر آن، طرفین توافق کرده‌اند که برای اهداف کنوانسیون با این‌گونه شرکت‌های فرعی باید مانند اشخاص حقوقی خارجی رفتار کرد.

بند ۴ ماده ۲۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد که هر دولت عضو کنوانسیون می‌تواند در زمان تصویب، پذیرش یا تأیید آن یا در هر زمان دیگری پس از آن، مرکز را از نوع یا انواع اختلافاتی که در صلاحیت رسیدگی مرکز می‌داند، آگاه کند. دبیر کل باید بلافاصله چنین اختطاری را به تمام دولت‌های عضو کنوانسیون اطلاع دهد. چنین اختطاری نباید رضایت مقرر در بند ۱ تلقی گردد.

علاوه، ماده ۲۶ کنوانسیون، رضایت را چنین تعریف می‌کند: جز در مواردی که رضایت به نحو دیگری اظهار می‌گردد، رضایت طرفین به داوری مطابق این کنوانسیون، به منزله کنار گذاشتن سایر روش‌های حلّ و فصل است. دولت طرف این قرارداد می‌تواند اعلام کند که مراجعه مقدماتی به مراجع و مراحل رسیدگی اداری یا حقوقی داخلی^۱ خود به عنوان شرط رضایتش به داوری مورد نظر کنوانسیون است. رضایت به صلاحیت دیوان در رسیدگی به یک دعوا به یکی از صور ذیل صورت می‌گیرد:

الف) از طریق قرارداد بین یک دولت یا تبعه آن و یک تبعه خارجی به شرطی که آن قرارداد حاوی شرط ارجاع اختلاف به داوری ایکسید باشد؛

ب) یک موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری دو یا چندجانبه بین دولت‌ها که حلّ و فصل اختلافات بین دولت متعاقد و تبعه سرمایه‌گذار دولت دیگر را با ارجاع به داوری ایکسید پیش‌بینی کرده باشد.

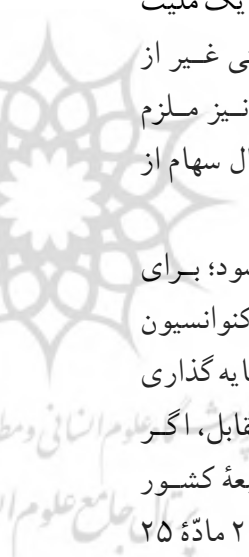
این امر در خصوص «معاهده نفتا»^۲ نیز صادق است؛ زیرا بخش «ب» فصل ۱۱ این معاهده، استفاده از داوری ایکسید را برای متعاهدین به رسمیت شناخته است.^۳

1. Exhaustion of Local Remedies.

2. North American Free Trade Agreement (NAFTA).

۳. برای اطلاع در مورد نفتا و متن موافقت‌نامه و سایر مقررات، ر.ک:

<http://www.nafta-sec-alena.org/english/index.htm>.



«معاهده منشور انرژی»^۱ نیز با بیش از ۵۰ عضو به همین گونه صلاحیت ایکسید را پذیرفته است.^۲

ج) اعلام رضایت از طریق قانون سرمایه گذاری داخلی که حل و فصل منازعات بین دولت متعاقد و سرمایه گذار خارجی را با ارجاع به داوری ایکسید پیش بینی کرده باشد.

نظر به ماده ۳۹ مقررات آیین دادرسی رسیدگی به اختلافات از طریق داوری، همچون طرفین اختلاف، برای دیوان داوری این امکان وجود دارد که به ابتکار خود در هر زمانی در طول مراحل رسیدگی، اقدامات احتیاطی موقت^۳ را به منظور حفظ حقوق طرفین انجام دهد. کنار گذاشتن راه‌حلهای دیگر نیز شامل این اقدامات موقت می‌شود.

بنابراین، مقررات کنوانسیون محدوده صلاحیت دیوان داوری ایکسید را معین می‌کند. قطع نظر از استثنائات احتمالی ذکر شده در مورد انواع اختلافات، صلاحیت مرکز انحصاری است. هر اعتراضی از سوی طرفین اختلاف مبنی بر اینکه آن اختلاف در حیطه صلاحیت مرکز نمی‌باشد یا بنا به دلایل دیگری در حیطه صلاحیت دیوان قرار نمی‌گیرد، به وسیله خود دیوان مورد بررسی قرار می‌گیرد و این دیوان است که تعیین می‌کند آیا با آن اعتراض به عنوان مسئله‌ای مقدماتی برخورد کند یا آن را به مرحله رسیدگی به ماهیت دعوا ملحق نماید. ماده ۴۱ کنوانسیون تصریح می‌کند که خود دیوان در مورد صلاحیتش تصمیم می‌گیرد.^۴ همچنین هرگونه مداخله دادگاههای داخلی در قانون حاکم بر داوری پذیرفتنی نیست. در صورت استناد هر یک از طرفین به داوری ایکسید تا زمانی که دیوان

1. Energy Charter Treaty.
2. It provides that settlement of disputes between a party and an investor of another party sets up a procedure giving investors the possibility of asking for an arbitration tribunal to be formed under the aegis of the Washington Convention or that of a supplementary mechanism proposed by the ICSID when there is a dispute between States that are not parties to the Convention.
3. Provisional Measures.
4. Competence de la Competence.

ایکسید در خصوص صلاحیت خود تصمیم نگرفته باشد، دادگاههای داخلی که به اختلاف طرفین رسیدگی می‌کنند، باید رسیدگی خود را به تعویق اندازند.

سازمان و ترکیب دیوان داوری

همان‌گونه که گفته شد، مرکز دارای هیئت داوران^۱ است. هر کشور متعاقد، چهار نفر را برای عضویت در آن هیئت معرفی می‌کند. رئیس شورای اداری مرکز نیز ۱۰ نفر را برای عضویت در آن هیئت منصوب می‌کند. داوران باید از شخصیت اخلاقی والایی برخوردار بوده و در زمینه حقوق، تجارت، صنعت و مالی، تخصص و در قضاوت استقلال داشته باشند.^۲ داوران در مجموع باید نماینده نظامهای اصلی حقوقی دنیا باشند. اصولاً طرفین اختلاف، داوران خود را از بین هیئت داوران مذکور انتخاب می‌کنند. با این حال، طبق مقررات ماده ۴۰ امکان انتخاب داوران از خارج از هیئت داوران نیز وجود دارد که در این صورت، آن داوران باید واجد شرایط مذکور در بند ۱ ماده ۱۴ باشند. ماده ۲ از قواعد رسیدگی شکلی داوری، در غیاب توافق‌نامه قبلی، روش تشکیل و ترکیب هر دیوان داوری را شرح داده و به طرفین اجازه می‌دهد تا نسبت به تعیین تعداد داوران و روش منصوب کردن آنان (اگر قبل از ثبت دادخواست، توافقی صورت نگرفته باشد) تصمیم‌گیری کنند. در بند ۳ همین ماده آمده است:

در هر زمان، ۶۰ روز پس از ثبت دادخواست، اگر موافقت‌نامه‌ای در خصوص آیین رسیدگی دیگری حاصل نشد، هر طرف می‌تواند دبیر کل را نسبت به انتخاب روش مذکور در بند «ب» از بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون مطلع کند.^۳ دبیر کل نیز باید سریعاً طرف دیگر را از این مطلب آگاه سازد که قرار است دیوان طبق آن ماده تأسیس شود.

1. Panel of Arbitrators.
۲. بند ۲ ماده ۶ قواعد رسیدگی شکلی داوری.
۳. بند «ب»: جایی که طرفین نسبت به تعداد داوران و روش نصب آنها توافق نکنند، دیوان مرکب از سه داور خواهد بود. هر طرف یک داور را انتخاب می‌کند و نفر سوم که رئیس دیوان خواهد بود با توافق طرفین انتخاب خواهد شد.

اگر دیوان طبق مندرجات بند «ب» از بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون تأسیس شود، طرفین باید از ماده ۲ قواعد داوری پیروی کنند که طبق آن:

الف) طرف آغازکننده (معمولاً مدعی) شخصی را به عنوان داور تعیین و شخص دومی را به عنوان رئیس دیوان پیشنهاد کند و هم‌زمان طرف دیگر (معمولاً مدعی علیه) رادعوت کند تا داور خود را منصوب و در مورد پذیرش کسی که برای ریاست پیشنهاد شده، موافقت کند؛

ب) به محض دریافت دعوت، طرف دیگر باید نام داور تعیین شده خود را به طرف شروع‌کننده اعلام و در خصوص شخصی که به عنوان رئیس پیشنهاد شده، نیز اعلام نظر نماید یا در صورت عدم موافقت، شخص پیشنهادی خود را برای ریاست به خواهان اعلام و از او بخواهد در مورد ریاست شخص پیشنهادیش نظر خود را اعلام دارد.

وقتی که اعمال روش مذکور در بند «ب» از بند ۲ ماده ۳۷ انتخاب شود، ممکن است داوران با طرفین منازعه دارای تابعیت واحد نباشند تا شرایط مورد نظر ماده ۳۹ کنوانسیون را برآورده سازند؛ مگر اینکه توسط طرفین غیر از این توافق شود. ماده مذکور مقرر می‌دارد که اکثریت داوران باید دارای تابعیت دولتهایی غیر از دولت متعاهد طرف منازعه و دولت متعاهدی که تبعه آن طرف دیگر منازعه است، باشند. در حقیقت در میان مقررات مربوط به تابعیت داوران، یکسید شدیدتر از سایر مقررات برخوردار کرده است. براساس بند ۱ ماده ۳ هیچ‌یک از داوران نمی‌توانند تابعیت مشابه یا تابعیت هر یک از طرفین دعوا را داشته باشند.

پیشنهادهای یادشده در بند ۱ ماده ۳ باید به صورت مکتوب و سریع انجام گیرد و پس از آن از طریق دبیر کل یا مستقیماً بین طرفین مبادله و یک نسخه آن براساس بند ۲ ماده ۳ برای دبیر کل ارسال گردد.

در خصوص آیین شکلی ترکیب دیوان دو نکته عمده باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. اولویت اعطاشده به طرفین از سوی کنوانسیون؛
۲. نقش نظارتی دبیر کل مرکز نسبت به کل آیین رسیدگی شکلی.

براساس بند ۴ ماده ۶ تسهیلات اضافی قواعد داوری، اگر طرفین نتوانند در

خصوص انتصاب داوران و رئیس دیوان داوری به توافق برسند، ظرف ۹۰ روز پس از آنکه دبیر کل آگاهی ثبت را به طرفین اطلاع داد، یا پس از هر مدت زمانی که طرفین موافقت کنند، هر طرف می‌تواند از طریق دبیر کل از رئیس شورای اداری کتباً برای نصب داور یا داورانی که تا آن زمان منصوب نشده‌اند، تقاضا کند و داوری را به عنوان رئیس دیوان منصوب کند.

براساس بند ۲ ماده ۴ قواعد رسیدگی شکلی داوری، در صورتی که طرفین موافقت کنند که خود داوران، رئیس دیوان را انتخاب کنند، ولی آنها نتوانند چنین کنند، مفاد بند ۱ براساس قاعده «انجام تغییرات ضروری»^۱ (بر حسب مورد) اعمال خواهد شد.

دیوان داوری زمانی کامل می‌شود که داوران، انتصاب خود را چنان که در ماده ۵ قواعد رسیدگی شکلی داوری آمده است، پذیرفته باشند و باید چنین فرض شود که از تاریخی که دبیر کل به طرفین اعلام کند که همه داوران، انتصاب خود را پذیرفته‌اند، مؤثر خواهد بود.^۲ با این حال، تشکیل دیوان داوری مشروط بوده و موکول به امضای اظهارنامه استقلال که در بند ۲ ماده ۶ قواعد داوری ذکر شده است، موکول می‌باشد. در حقیقت، هر داوری که تا پایان اولین جلسه از امضا کردن چنین اظهارنامه‌ای که مبین بی‌طرفی اوست، خودداری ورزد، به منزله استعفا تلقی می‌شود.

قانون قابل اعمال توسط دیوان داوری

براساس بند «ب» ماده ۶ کنوانسیون یکی از وظایف شورای اداری، تصویب مقررات مربوط به نحوه شروع داوری و آیین رسیدگی آن است؛ لذا از نظر مقررات شکلی حاکم بر آیین دادرسی، مصوبات شورا قابل اجراست و چنانچه خلائی وجود داشته باشد، طبق ماده ۴۴ خود دیوان داوری تعیین تکلیف خواهد کرد. هم‌اکنون

1. Mutatis Mutandis.

۲. ماده ۶ قواعد رسیدگی شکلی.

دیوان داوری مرکز براساس مقررات شکلی آیین رسیدگی داوری مصوب سال ۱۹۶۵ م. و اصلاحات بعدی عمل می‌کند.

اما از نظر قانون ماهوی که دیوان در ماهیت اختلاف آن را اعمال خواهد کرد، براساس ماده ۴۲، قانون قابل اعمال در دعوا، طبق تراضی طرفین تعیین و دیوان داوری موظف به رعایت آن است و در صورتی که توافقی در این زمینه نباشد، اختلاف بر مبنای قانون کشور طرف اختلاف، از جمله قواعد حلّ تعارض آن، حلّ و فصل می‌شود و فقط در صورتی که از این راهها اختلاف قابل حلّ و فصل نباشد، مقررات قابل اجرای حقوق بین الملل قاطع دعوا خواهد بود. در نهایت، چنانچه طرفین موافقت کنند، طبق بند ۳ ماده ۴۲ دیوان براساس عدالت و انصاف^۱ رأی خواهد داد.

در خصوص اعمال قانون ماهوی، نظام ایکسید حتی از پاره‌ای از نهادهای قضایی بین المللی؛ مثل دیوان بین المللی دادگستری پیشرفته تر است؛ زیرا برخلاف ماده ۳۸ اساسنامه آن دیوان، در قسمت دوم ماده ۴۲ کنوانسیون ایکسید به داور اجازه نمی‌دهد به «فقدان قانون»^۲ استناد و از صدور رأی امتناع کند.

حکم داوری، شناسایی و اجرای آن

مواد ۴۸-۵۵ کنوانسیون به رأی داوری صادر شده در چارچوب کنوانسیون ایکسید می‌پردازد.

بخش چهارم کنوانسیون (مواد ۴۸ و ۴۹) به محتوا و شرایط رسمی رأی و به اختیار دیوان در اصلاح اشتباهاتی که ممکن است از سوی داوران رخ داده باشد، توجه دارد.

بخش پنجم کنوانسیون (مواد ۵۰-۵۲) به تفسیر، تجدید نظر و ابطال رأی اختصاص دارد. تفسیر و تجدید نظر رأی داوری معمولاً در هر مکانیسم و مؤسسات بین المللی داوری سازمانی و یا خاص پیش بینی شده است و باید از سوی دیوان

داوری که رأی را صادر کرده است، به اجرا درآید. همچنین ماده ۵۲ کنوانسیون که ابطال رأی داوری را به طور مفصل شرح می‌دهد، قابل توجه است. قصد دولتهای متعاقد برای مستثنا و یا حداقل محدود کردن دخالت دادگاههای داخلی در مکانیسم حلّ و فصل اختلافات ایکسید به روشنی در این ماده دیده می‌شود. در مقایسه با قواعد دیگر، نظام ایکسید دارای سیستمی از ابطال رأی است که دادگاههای داخلی را از مداخله در آرای ایکسید ممنوع می‌سازد. این امر در نوع خود پیشرفت قابل توجهی در زمینه حقوق حلّ و فصل دعاوی سرمایه گذاری است.

بخش ششم کنوانسیون (مواد ۵۳-۵۵) به شناسایی و اجرای رأی داوری مربوط می‌شود. مقررات این بخش از کنوانسیون، دخالت دادگاههای داخلی را به کمترین حد می‌رساند؛ لذا آرای صادره دیوان داوری مرکز، قابل بررسی در دادگاههای داخلی نیست و فقط از سوی کمیته‌ای اختصاصی^۱، تنها در موارد خاص قابل ابطال است که از آن جمله است: عدم اعمال قانون تعیین شده و تجاوز داوران از اختیارات.

ماده ۵۴ کنوانسیون، مقررات ویژه‌ای را برای شناسایی و اجرای حکم داوری دربردارد. این مقررات به صورت زیر بیان شده است:

۱. هر دولت طرف قرارداد باید رأی را که براساس کنوانسیون ایکسید صادر شده است، به رسمیت شناخته و تعهداتی را که آن رأی در قلمرو آن کشور ایجاد می‌کند، شناسایی کند به نحوی که گویی از دادگاه داخلی خودش صادر شده است. اگر دولت عضو کنوانسیون دارای قانون اساسی فدرال باشد، باید چنین رأی را از طریق دادگاههای فدرال خود به اجرا گذارد و از آن دادگاهها بخواهد که با چنین رأی، مانند رأی نهایی صادره از دادگاههای همان دولت برخورد نمایند.

۲. طرفی که به دنبال شناسایی یا اجرای رأی در قلمرو یک دولت متعاقد است، باید یک نسخه از رأی را که از سوی دبیر کل تأیید شده است، به دادگاه صالح یا

1. Ad Hoc.

1. Ex Aequo et Bono.

2. Non Liquet.

مقام دیگری که آن دولت به این منظور مشخص کرده است، تسلیم کند. هریک از دولت‌های عضو کنوانسیون باید دبیر کل را از دادگاه صالح تعیین شده و یا مقام صالح مشخص شده برای این منظور و از تغییرات بعدی در این زمینه آگاه سازد.

۳. اجرای رأی باید طبق قوانینی باشد که بر اجرای آرای لازم‌الاجرا در کشوری که رأی در قلمروش اجرا می‌شود، حاکم است.

رویه قضایی دیوانهای داوری مرکز تاکنون

رویه قضایی داوریهای مرکز، یکی از منابع غنی حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری است. این امر، مرهون سابقه طولانی مرکز، مقررات قابل انعطاف آن و اعتماد دولت‌ها و بازرگانان می‌باشد؛ مثلاً به رغم بی‌رغبتی‌ای که از گذشته نسبت به داوری در منطقه آمریکای لاتین وجود داشته است، از زمان پیوستن آرژانتین به کنوانسیون ایکسید در ۱۹۹۴ م. این کشور در ده مورد دعوای سرمایه‌گذاری نزد دیوان داوری مرکز درگیر بوده است که همگی این دعوای ناشی از روند خصوصی‌سازی در آن کشور می‌باشد.

دعای مطرح شده در حدود چهار سال حیات مرکز دارای عناوین متعددی است؛ برای مثال دعای مربوط به پروژه ساخت کارخانه برق، فسخ گواهی بانکی، تولید پارچه، ساخت هتل و بیمارستان، تولید و استخراج نفت و گاز و طلا را می‌توان نام برد.

مرکز از اواسط دهه ۱۹۸۰ تاکنون صلاحیت خود را از طریق رضایت طرفین در قراردادهای سرمایه‌گذاری و یا در اسناد مشابه تحصیل کرده است. اکثر دعوای ای که هم‌اکنون نزد مرکز مطرح است، به منازعات داخلی، سلب مالکیت، امتناع از دادخواهی و... مربوط بوده و تعداد اندکی از دعوای، منحصراً درباره اجرای قراردادهای منعقد سرمایه‌گذاری است.

افزایش تعداد موافقت‌نامه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری افزایش تعداد دعوای در این زمینه را در پی داشته است. هم‌اکنون حدود دو هزار معاهده دو جانبه سرمایه‌گذاری وجود دارد که اکثر آنها دارای شرط ارجاع به داوری مرکز می‌باشد.

همچنین اکثر این موافقت‌نامه‌ها دارای شرط دولت کامله‌الوداد،^۱ تضمین رفتار برابر و منصفانه با سرمایه‌گذار خارجی و ممنوعیت سلب مالکیت از سرمایه‌گذارهای خارجی است؛ مگر در شرایط استثنایی و به شرط اینکه آن سلب مالکیت در جهت منافع عمومی بوده و خسارات آن فوری، کافی و مؤثر پرداخت شود. از یک صد فقره دعوای مطرح شده نزد مرکز تا آوریل ۲۰۰۲ (که ۶۰ مورد آن در پنج سال قبل از این تاریخ مطرح شده است) تا تاریخ نگارش این مقاله، ۶۹ فقره آنها از سوی مرکز تصمیم‌گیری شده که اکثر آنها از طریق دیوان داوری بوده است. همچنین هم‌اکنون تعداد ۴۵ فقره دعوای نزد مرکز در نوبت رسیدگی می‌باشد. در میان دعوای اخیر، موضوعات مربوط به موافقت‌نامه خدمات آب و فاضلاب، ساخت آزاد راه، انتقال گاز طبیعی، ساخت مجموعه منازل مسکونی و توسعه میادین گاز و نفت وجود دارد.

ایران و کنوانسیون ایکسید

چون سرمایه‌گذاری می‌تواند نقشی حیاتی در توسعه پایدار داشته باشد،^۲ ایران در ده سال گذشته تحولات ساختاری زیادی را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آغاز کرده و علاقه آشکاری به حمایت و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی از خود نشان داده است و متعاقباً موافقت‌نامه‌هایی برای حمایت و تشویق سرمایه‌گذارهای متقابل با برخی از کشورها منعقد کرده است که در این میان موافقت‌نامه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در بخش نفت، گاز و پتروشیمی بیشتر است. گرچه ایران عضو بانک جهانی است، به رغم ضرورت، تاکنون کنوانسیون ایکسید را امضا و تصویب نکرده و از این رو متعهد به اجرای مفاد آن و برخوردار از امتیازات و حقوق مربوط به آن نیست.

1. Most Favoured Nation.

۲. ر.ک: سند مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «نتیجه‌نهایی کنفرانس بین‌المللی تأمین سرمایه برای توسعه»، اجماع مونتری، ۱۳-۳۰ ژانویه ۲۰۰۲، ترجمه مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، A/AC.257/L.13، ۱۳۸۱.

ایران دچار بیکاری است و به گفته متخصصان، اکنون اصلی ترین چالش دولت، اشتغال است. در حالی که گفته می شود بیش از ۳/۵ میلیون بیکار در کشور وجود دارد، ورودی کشور به بازار کار بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر در سال است. حتی در حالت نرمال، منابع داخلی ایران برای اشتغال کافی نیست و رهایی از این وضعیت نیاز به سرمایه گذاری خارجی دارد.

بر اساس برنامه توسعه سوم کشور، ایران تا سال ۱۳۸۴ برای اینکه بتواند هر ساله تا یک میلیون شغل ایجاد کند، به دنبال هفت درصد افزایش سالانه در سرمایه گذاری است. بدیهی ترین نیاز سرمایه گذاری، امنیت است و اصلی ترین عنصر امنیت، تأمینات لازم حقوقی. در میان تضمینات حقوقی، حل و فصل اختلافات با خارجیان سرمایه گذار از طریق داوری بین المللی (از جمله داوری ایکسید) نقشی کلیدی در حصول اطمینان آنان نسبت به احقاق حق خود در مواقع ضروری دارد.

بر اساس قانون سال ۱۳۳۳ ه.ش جذب و حمایت از سرمایه گذاری خارجی در ایران که آیین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۳۴ ه.ش تصویب شد، به همه اتباع و شرکتهای متعلق به کشورهای بیگانه که از سوی ایران به رسمیت شناخته شده بودند و متقابلاً به اتباع و شرکتهای ایرانی تسهیلات لازم را برای فعالیتهای اقتصادی فراهم می کردند، اجازه فعالیت در ایران داده شده بود و اگر اختلافی بین دولت ایران و سرمایه گذار خارجی درباره سرمایه گذاری و یا پرداخت خسارت ناشی از آن به وجود می آمد، دادگاههای صالح ایران می توانستند به صدور رأی و حل و فصل آن اقدام کنند.

قانون جدید سرمایه گذاری خارجی ایران در خرداد ماه ۱۳۸۱ ه.ش به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسید. این قانون بسیاری از محدودیتهای خاص در خصوص این موضوع از بین برده است. از جمله این قانون از سرمایه های خارجی در برابر توقیف و مصادره حمایت و سرمایه گذاران خارجی را دارای همان حقوقی می داند که به سرمایه گذاران خصوصی و دولتی داده شده است. همچنین به آنان تضمین می دهد که می توانند سرمایه و سود خود را به صورت ارز از ایران خارج کنند و اگر

به دلیل پیچیدگیهای قانونی، خسارتی به آنان وارد گردد، جبران خسارت شود. در همین راستا، دولت جدید نیز تا حدود زیادی کنترل قیمتها را حذف و موانع و محدودیتهای تبدیل ارز را برطرف کرده است؛ از جمله، سیستم چند نرخ ارز را از بین برده و به طور چشمگیری نرخهای مالیات را برای آنان کاهش داده است.

قوانین جدید، قانونی بودن مالکیت خارجی را تا ۴۹ درصد مشارکتهای بین المللی^۱ به رسمیت می شناسد و شرایط مساعدتری را برای خروج سرمایه و منافع آن از کشور پیش بینی می کند. اما این قانون دارای مشکلاتی مانند پیچیدگی بسیار و عدم جامعیت لازم است. یادآور می گردد این قانون در شورای نگهبان رد شد؛ زیرا این شورا معتقد بود این قانون استقلال و تمامیت ارضی کشور را به خطر می اندازد و سبب نفوذ سرمایه گذاران خارجی و تسلط نهایی آنان بر اقتصاد کشور می شود. ولی مجمع تشخیص مصلحت نظام که قبلاً نیز قانون فعالیت بانکهای خصوصی و قانون تأسیس مناطق آزاد تجاری را به رغم رد شدن در شورای نگهبان تصویب کرده بود، در اینجا نیز استدلال شورای نگهبان را نپذیرفت و به تصویب آن رأی داد.

نفت، عمده ترین منبع ارزی ایران است و همراه با گاز، مهم ترین بخش وابسته به سرمایه گذاری خارجی است، ولی قانون اساسی کشور، دادن امتیاز بهره برداری از نفت را به خارجیان ممنوع کرده است. با این حال، قانون نفت سال ۱۳۶۵ ه.ش اجازه می دهد قراردادهای نفتی بین وزارت نفت و شرکتهای اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی منعقد گردد. به همین دلیل ارزش قراردادهایی به سبک سرمایه گذاری «خرید متقابل»^۲ در سال ۱۹۹۸ م. به میزان ۸ میلیارد دلار بود. اخیراً وزیر نفت کشور اعلام کرد که با توجه به قراردادهای افزایش تولید نفت خام، تولید ایران تا سال ۱۳۸۴ ه.ش به حدود ۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. وی یادآور شد که اکنون حدود ۵ میلیارد دلار در صنعت پتروشیمی سرمایه گذاری می شود. در سالهای اخیر حدود ۱۴ میلیارد دلار قرارداد خرید متقابل و فاینانس

1. Joint Ventures.

2. Buyback.

خودگردان در بخش تولید نفت و گاز و دیگر هیدروکربورها منعقد شده است. با این حال، ایران به دلیل محدودیت منابع سرمایه داخلی، سالانه به بیش از ۱۰ بیلیون دلار سرمایه گذاری خارجی، خصوصاً در بخش انرژی نیاز دارد. افزایش این سرمایه گذاریها ممکن است دعاوی ای را در پی داشته باشد که باید به روش مسالمت آمیز (مانند داوری) حل و فصل گردد.

رویه عملی دستگاههای دولتی در زمینه ارجاع اختلافات خود با طرفهای خارجی به داوری، عمل به اصل ۱۳۹ قانون اساسی را نشان می دهد و مؤسسات دولتی در موارد لزوم، از هیئت دولت درخواست مجوز داوری کرده اند.^۱ وزارت نفت بدون کسب اجازه موردی از قوه مقننه و به استناد مواد ۳۵ و ۶۶ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران با سرمایه گذاران خارجی قرارداد منعقد کرده و اختلافاتش را به داوری می برد و استدلال می کند که پس از انقلاب، این اساسنامه به تأیید شورای نگهبان رسیده است و در صورت مخالفت آن با شرع یا قانون اساسی، شورای نگهبان آن را تأیید نمی کرد. بعلاوه، این شورا تاکنون تفسیری از اصل ۱۳۹ ارائه نکرده و در فقدان آن، ممنوعیتی برای آن وزارتخانه وجود ندارد. ولی باید توجه داشت که این اصل در عصر بدبینی کشور نسبت به حقوق بین الملل نوشته شده و به نظر می رسد با نگاه فعلی ایران به این حقوق همخوانی ندارد.

تحوّلات چند سئاله اخیر ایران از اعتماد بیشتر این کشور به نظام بین المللی حکایت دارد. باید گفت تصویب قانون داوری تجاری بین المللی برای کشور، «حرکت به سمت ایجاد مرکز داوری تجاری منطقه ای در تهران»، «تصویب کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی»^۲،

۱. ر.ک: مصطفی شهابی، *داوری در قانون اساسی*، انتشارات کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۳۲-۳۹.

اصل ۱۳۹ قانون اساسی می گوید: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند.»

۲. ر.ک: *مجله حقوقی*، شماره ۱۴-۱۵، سال ۱۳۷۰، بخش اسناد بین المللی.

«اظهار علاقه شدید و تلاش هفت ساله ایران جهت پیوستن به سیستم تجارت آزاد «WTO» که ممکن است مهم ترین منبع تأمین سرمایه برای توسعه باشد، همگی نشانه اراده کشور به حذف موانع جدی در مقابل سرمایه گذاری خارجی است. از دیگر اقدامات در این زمینه می توان «اصلاح قانون مالیاتها از سوی مجلس»، «یکسان سازی نرخ ارز»، «تأسیس مناطق تجاری آزاد و سرمایه گذاری خارجی در این مناطق» (قانون سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ م.)^۱ را نام برد.

ایران به دلیل پذیرش کنوانسیون ۱۹۵۸ م. نیویورک ناگزیر به شناسایی احکام صادر شده از سوی دیوان داوری مرکز می باشد، مشروط به اینکه با ایرادات اساسی مواجه نباشد؛ زیرا این کنوانسیون هم اکنون جزئی از حقوق داخلی ایران محسوب می شود.^۲ طبق این کنوانسیون متعاهدین به رسمیت شناختن احکام داوری خارجی؛ از جمله آرای داوری ایکسید و اجرای آنها در قلمرو خود ملزم هستند. بنابراین با الحاق به این کنوانسیون، دیگر نمی توان صرفاً به مقررات فصل نهم (مواد ۱۶۹-۱۷۹) قانون اجرای احکام مدنی مصوب آبان ماه ۱۳۵۶ ش. در خصوص احکام و اسناد لازم الاجرای کشورهای خارجی و مواد ۹۷۲-۹۷۵ قانون مدنی به بعد استناد کرد؛ زیرا قوانین داخلی ایران در حال حاضر پاسخگوی نیازهای این بخش رو به گسترش که به سرعت به طرف وحدت حقوقی بین المللی حرکت می کند، نمی باشد.^۳

بی شک نظام حقوقی هر کشور باید بتواند از فرسودگی خود جلوگیری کند. مدتها دادگاه داوری لندن به دلیل مداخله های زیاد دادگاههای داخلی انگلیس با موانع جدی روبه رو بود، بالاخره پس از چندین بار اصلاحات در قانون داوری سال ۱۹۵۰ م. و آخرین تغییرات در سال ۱۹۹۷ م. و ایجاد تسهیلات برای داوری بین المللی، کانون توجه بیشتری گردیده است. گرچه ایران در سالهای اخیر، قانون

۱. از امتیازات پیش بینی شده برای سرمایه گذاران در این مناطق تجاری، معافیت مالیاتی ۱۵ ساله از زمان شروع عملیات است.

۲. کنوانسیون ۱۹۵۸ م. از ۲۳ دی ماه ۱۳۸۰ ش. نسبت به ایران لازم الاجرا گردیده است.

3. Cf. UN General Assembly Resolution, 40/72, 11 Dec. 1985, Para.2.

داوری تجاری بین‌المللی خود را تا مقدار زیادی هماهنگ با «قوانین آنسیترال» به تصویب رسانده است، سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتهای متبوع آنها ترجیح می‌دهند اختلافات خود را از طریق داوری بین‌المللی خصوصاً به شکلی سازمانی حل و فصل کنند. ایران مدتهاست از آیین رسیدگی داوری آنسیترال در حل و فصل دعاویش با آمریکا استفاده می‌کند و سالهاست از اتاق بازرگانی بین‌المللی و مقررات و رویه‌های متحدالشکل آن بهره می‌برد؛ برای مثال تقریباً کلیه بانکهای ایران عملیات بانکی خود را بر پایه مقررات و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی بانکی اتاق بازرگانی بین‌المللی انجام می‌دهند. در حالی که نه مقررات آنسیترال و نه قواعد حاکم بر اتاق بازرگانی بین‌المللی تفاوت ماهوی با چارچوب ایکسید ندارند. حتی داوری ایکسید از تخصص بالاتری نسبت به داوری آنسیترال و اتاق بازرگانی بین‌المللی در زمینه دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری برخوردار است.

با توجه به ماده ۷۰ و بند «د» ماده ۷۵ کنوانسیون ایکسید، ایران می‌تواند آن کنوانسیون را بپذیرد، ولی موارد خاص مورد نظر خود را از صلاحیت دیوان داوری آن استثنا کند، یعنی استفاده از «حق شرط». این امر به نحو دیگری در بند ۴ ماده ۲۵ که به دولت عضو اجازه می‌دهد از قبل، نوع خاص دعوی را که در صلاحیت مرکز قرار می‌گیرد اعلام کند، تأیید شده است. همچنین طبق ماده ۷۱ هر دولتی می‌تواند به صورت آزمایشی کنوانسیون را بپذیرد و در صورت پیدایش عوارض و تبعات منفی آن بر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورش به عضویت خود خاتمه دهد. بعلاوه، وقتی بند ۱ ماده ۲۵ فقط دعاوی حقوقی و از میان آنها فقط دعاوی ای را که مستقیماً ناشی از سرمایه‌گذاری است، در صلاحیت دیوان داوری قرار می‌دهد، به نظر می‌رسد نباید جای نگرانی وجود داشته باشد. در نهایت، چنانچه در ارتباط با تفسیر یا اجرای کنوانسیون اختلافی به وجود آید که نتوان آن را از طریق مذاکره حل کرد یا طرفین روش دیگری را انتخاب نکنند، به تقاضای هر یک از طرفین آن اختلاف، دیوان بین‌المللی دادگستری مقام صالح برای رسیدگی خواهد بود که این نیز ممکن است نوعی حمایت از منافع کشورهای سرمایه‌پذیر باشد.

با قبول صلاحیت مرکز فقط در صورتی که دولت طرف اختلاف از اجرای حکم داوری امتناع کند، کشور متبوع سرمایه‌گذار طرف اختلاف می‌تواند از او حمایت سیاسی مورد نظر حقوق بین‌الملل را به عمل آورد^۱ که این نیز ممکن است باعث تشویق دولت ایران در پیوستن به کنوانسیون تلقی گردد. شرط ذیل ماده ۲۶ نیز حمایت دیگری برای دولتها محسوب می‌شود؛ زیرا هر دولت متعاقد می‌تواند رضایت به رسیدگی داوری ایکسید را مشروط به مراجعه قبلی تبعه خارجی به مراجع اداری و قضایی خود کند. همچنین به استناد ماده ۵۵ و با توجه به اصل مصونیت دولتها که ناشی از اصل حاکمیت است، در صورتی که احکام صادره از دیوان داوری خارج از چارچوب اعمال تصدی دولت باشد، یعنی به اعمال حاکمیت آن دولت مربوط شود، آن احکام قابل اجرا نیست.

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد تأخیر در پذیرش کنوانسیون از طرف ایران فاقد توجیه حقوقی باشد. وقتی ایران در مقابل آمریکا که آن را «شیطان بزرگ» می‌خواند، سابقه ۲۳ ساله حل و فصل مسالمت‌آمیز هزاران اختلاف از طریق داوری را دارد و دو دولت در این مسیر برای اجرای آرای صادره از دیوانی که به این منظور ایجاد شده از مصونیت حاکمیتی خود صرف نظر کرده‌اند، دلیلی برای نپیوستن به این کنوانسیون و قبول داوری آن وجود ندارد.

نتیجه

در مقدمه کنوانسیون ایکسید آمده است که معمولاً دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق نظامهای حقوقی داخلی حل و فصل می‌شود، ولی روشهای بین‌المللی حل و فصل اختلاف ممکن است در پاره‌ای موارد مناسب‌تر باشد. در این راستا حقوق بین‌الملل نوینی در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی به وجود آمده است تا بتواند به خواسته‌های اقتصاد و تجارت جهانی پاسخگو باشد. به همین دلیل، تغییرات عمده‌ای در مقررات سنتی حاکم بر سرمایه‌گذاری در جامعه بین‌المللی دیده می‌شود.

۱. بند ۱ ماده ۲۷.

از خصوصیات حقوق بین‌الملل معاصر، فرسایش حاکمیت مطلق دولتهاست. گرچه این موضوع هم در خصوص اعمال حاکمیت و هم اعمال تصدی دولتها مشاهده می‌شود، در مورد اخیر بیشتر قابل توجه است. این امر به خصوص در زمینه قانون و مرجع رسیدگی حاکم بر حلّ و فصل دعاوی، از جمله داوری ایکسید مشهود است. برای حمایت از سرمایه گذاری، کنوانسیون ایکسید مجموعه مقررات خاصی را در مورد سرمایه گذاری بین دولتها و اتباع دولتهای دیگر وضع کرده است. اگرچه مراجعه به مرکز اختیاری است، براساس کنوانسیون، طرفین اختلاف موظف به اجرای رأی دیوان داوری هستند. از آرای دیوان می‌توان پژوهش خواهی نمود و در شرایط خاصی فقط می‌توان در همان مرجع صادرکننده به رأی اعتراض کرد. هر کشور عضو حتی اگر طرف دعوا نباشد، مکلف به شناسایی و اجرای احکام داوری مرکز می‌باشد.

برای جذب سرمایه گذاری خارجی، دولتها ناگزیر به رعایت کلیه حقوق سرمایه گذاران، از جمله ایجاد راههای مناسب در خصوص اقامه دعوا و احقاق حق آنها هستند؛ زیرا سرمایه گذاری از چارچوب انحصاری صلاحیت ملی کشورها خارج شده است. زمان اینکه هر دولت فقط قوانین و مراجع رسیدگی خود را بر اختلافات بین‌المللی حاکم بداند، پایان یافته است. گرایش جهانی به سمت مراجع داوری بین‌المللی است که اختلافات را بی‌طرفانه و دور از تعصبات دادگاههای داخلی نسبت به اتباع خودی، حلّ و فصل کنند.

ایران به عنوان کشوری که شدیداً وابسته به سرمایه گذاری خارجی است در سالهای اخیر سیاستهای متعددی را برای جذب سرمایه افراد و شرکتهای خارجی اتخاذ کرده است. طبیعی است دیدگاههای تازه نسبت به سرمایه گذاری خارجی متضمن قبول سیستمهای حلّ و فصل اختلاف اسناد مربوط نیز می‌باشد؛ از این رو، ایران باید موضع خود را در قبال مرکز و آیین داوری آن روشن سازد. جهانی شدن حقوق، مسئله سرمایه گذاری را نیز از محدوده سنتی حقوق داخلی خارج و اختلافات ناشی از سرمایه گذاری را از صلاحیت انحصاری دادگاههای کشور سرمایه پذیر خارج ساخته است. پذیرش سیستم حلّ و فصل اختلافات از طریق

داوری ایکسید گامی برای ارتقای سطح سرمایه گذاری خارجی در ایران خواهد بود.

نگارنده نیز معتقد است:

قبول عام داوری تجاری بین‌المللی در سطح جهان و روی آوردن عمده کشورها به این مراجع به مثابه سیلی است که خواسته یا ناخواسته، کشور ما را دربرمی‌گیرد و عدم تنظیم و تصویب مقرراتی مناسب با این روش حلّ و فصل اختلافات، یکی از علل قابل توجه انزوای تجاری و اقتصادی ایران خواهد بود.^۱

براساس برنامه توسعه سوم (خصوصاً مواد ۱۸۴-۱۸۶) پیوستن به اتحادیه‌های بین‌المللی و گسترش همکاریهای دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، از اولویتهای دولت است.^۲ بجاست که ایران با پرهیز از موضع انفعالی، نسبت به بسیاری از معاهدات بین‌المللی، بحث الحاق به کنوانسیون ایکسید را آغاز و با پیوستن به این کنوانسیون و پذیرش سیستم داوری آن، گامی مؤثر در توسعه سرمایه گذاری خارجی بردارد.

۱. لعیا جنیدی، *قانون داوری تجاری بین‌المللی*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۷.

۲. ر.ک: مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳ ش.)*، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹.